

اول مه و مهر یک دوره تاریخی!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

روزشمار تقویم گشتار کارگری در ایران!

مصطفی اسدپور

محیط های کار در ایران رسماً یک قتلگاه تمام عیار است. ریزش معادن البرز شرقی در طرزه شاهرود و مخاطرات جانی قریب الوقوع برای دو معدنچی محبوس در تونلها، توجه افکار عمومی را به سمت امنیت کارگران در مقابل سوانح محیط کار جلب کرده است. در میان گزارشات و خبرها دو عکس از وزیر کار و دبیر کل خانه کارگر، و انعکاس «تمام امکانات برای نجات معدنچیان» خنده دار است. این دو ارگان از مهندسين و مسئولان مصائب کار بحساب می‌آیند و این اظهارات جرم جنایی دولتی و همدستی خانه کارگر را آشکارتر می‌سازد. هفته آخر فروردین سال جاری با ۳۹ حادثه و هشت نفر کشته در رسانه ها بعنوان «هفته پر حادثه» برای کارگران لقب گرفت. هفته بعد و در حاشیه اول مه هفته بدتری بود. انفجار کوره کارخانه «شمش ایستاتیس» در شهرک صنعتی فولاد یزد ۹ کارگر را بشدت زخمی نمود؛ کارگر نگهبان در شهر سردشت دچار گاز گرفتگی شد؛ ... صفحه ۴

در سوگ نتانیا هو!

فواد عبدالمهدی

بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل نتوانست اکثریت ۶۱ نماینده را برای تشکیل دولت ائتلافی کنار هم جمع کند و تشکیل دولت دهد. دفتر ریاست جمهوری در بیانیه کوتاهی اعلام کرد: «کمی قبل از نیمه شب، آقای نتانیا هو به ریاست جمهوری اطلاع داد که قادر به تشکیل دولت نیست و بنابراین در حال بازگرداندن اختیارات به رئیس جمهور است». ... صفحه ۴

اطلاعیه های دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

- آزادی دستگیرشدگان مریوان به مطالبه مجازات مجرمین سلفی اضافه شد!
- زنده باد همبستگی و اعتراض قدرتمند مردم مریوان
- از کرده خود پشیمانان کنید!

انتخابات بی رونق و التهاب در جامعه

آذر مدرسی

کمتر از ده روز به پایان مهلت ثبت نام کاندیداهای «انتخابات» رئیس جمهوری باقی نمانده و هرچند هنوز خبری از «اجماع» دو جناح بر کاندید یا کاندیداهایی نیست، علیرغم سوت و کوری بازار انتخابات، اوضاع بالایی ها پر بحث و هشدار و اعلام موضع و در یک کلام ملتهب و هراسان است. ملتهب و هراسان نه از «رقابت» های انتخاباتی و به اصطلاح نگرانی از عروج این یا آن «گزینه» نظام به مقام شامخ ریاست جمهوری؛ که از ورود و گام نهادن دستجمعی شان به صحنه این نمایش درون خانوادگی. نمایشی که علیرغم میل قلبی و متناسب با حال خراب امروزشان، نه در خلوت خانوادگی و «خودی»، که در حضور جامعه و با حضور فعال هشتاد میلیون شاکی و معترض بنام «ملت» و مردم تحت حاکمیت شان، صورت میگیرد! سخنرانی های «افشاگرانه» و «غرای» چهره های هر جناح در مورد معضلات جناح رقیب، اعلام «بیطرفی» سپاه در مقابل کاندیدهای «جبهه انقلاب»، هشدارهای نمایندگان «آقا» در مورد ضرورت حفظ «انسجام ملی» در این «انتخابات»، تاکید بر اینکه رقابت های انتخاباتی نباید به «نظام و انقلاب آسیب هایی وارد کنند» و «آبروی نظام را ببرند»، تکرار ملال آور ضرورت «حضور گسترده» مردم و مخاطرات عدم شرکت مردم برای «نظام» و... که مخاطبین آنها اساساً خود جناح ها و باندهای قدرت و بالایی ها هستند، همه و همه حاکی از هراس جمهوری اسلامی برای ورود به این نمایش است. عدم توافق جناح ها بر سر یک یا چند نفر که قادر به حفظ انسجام حاکمیت و مانع از هم گسیختگی بیشتر میان بالایی ها شود و چهره قدرتمند و باثباتی از بالا بدهد، عدم توافق درونی هر جناحی بر سر فردی که بتواند انسجام جناحی خود را حفظ کند، خصلت نمای وضع آشفته اردوی حاکمیت شان و انعکاس فشار و وزن سنگین واقعیات غیرقابل انکاری است که در بطن جامعه علیه شان در غلیان است. در این سیر شکلگیری انواع ائتلافها و جبهه ها در درون جناح ها و کشمکش آنها، امید هر دو جناح به آینده «خوش بینانه» مذاکرات برجام، بیش از همیشه بی افقی، آشفتگی و استیصال حاکمیت راه، نه فقط در این «انتخابات» که در چگونه سرپا ماندن پس از انتخابات، نشان میدهد.

حال بالایی ها، این صف آشفته، بی افق و در انتظار معجزه «برجام دوم»، نا امید از سالم جستن از این «انتخابات لعنتی»، که «ناچار» اند آن را برگزار کنند، بسیار بد است! این انگل هایی که بر جسم و روان جامعه ای بیمار ارتزاق میکنند، مدتها است حال و روز خوبی ندارند. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

اول مه و مهر یک دوره تاریخی!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اول مه امسال علیرغم فضای مختنق و خط و نشان کشیدن و تهدیدهای دستگاه پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری و... علیرغم خطر کرونا و مشکل تجمعات کارگری به این دلیل، در بسیاری از شهرها و مراکز مختلف کارگری، در میان محافل و جمع های کارگران و خانواده های آنها به اشکال مختلف برگزار شد.

در این روز در مراکز کارگری و شهرهای مختلف از جمله در هفت تپه، شوش، تهران، مریوان، مشهد، تبریز، اصفهان، کرج، قزوین، اراک، فولاد، سنندج، بندر عباس، کرمانشاه، نیشابور، بانه، کامیاران و... شاهد مراسم های بزرگ و کوچک در بسیاری از مراکز کارگری، در میادین شهرها و مقابل ادارات دولتی، در جمعها و محافل مختلف کارگری به اشکال مختلف بودیم. مراسم های اول مه در تعدادی از شهرها که به فراخوان نهادها و جمعهای مختلف از کارگر تا بازنشسته، معلم و حامیان طبقه کارگر فراخوان داده شده بودند، از جمله در تهران و سنندج، با حضور وسیع نیروهای انتظامی و اطلاعاتی روبرو شد و منجر به دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان شد. اما و مستقل از این امسال تلاشی جدی در جریان بود که همه جا اول مه به روز جمع شدن و تجمع کارگران و خانواده های آنها و با فراخوان بخشهای مختلف و نهاد و تشکلهای کارگری و فعالین آنها مبدل شود، به روز سخنرانی رهبران کارگری، میتنگ و آژیتاسیونها، خواندن بیانیه و قطعنامه های کارگران و بعلاوه جشن و پخش شیرینی و ابتکارات مختلف برای گرامیداشت اول مه تبدیل شود.

اول مه امسال مهر یک دوره از مبارزه طبقه کارگر، مهر به میدان آمدن کارگران سوسیالیست را بر خود داشت. سخنرانی ها، بیانیه و قطعنامه ها، جمع و میتنگها و تجمعات در بعضی مراکز کارگری، محلات کارگر نشین در بعضی از شهرها و اعلام همبستگی با همه کارگران جهان، مردود اعلام کردن تقسیمات کاذب ملی، مذهبی، نژادی، جنسی، زبانی و... به عنوان ابزار دولتهای ضدکارگر برای شقه شقه کردن صفوف کارگران، اعلام کیفرخواست یک طبقه علیه بنیادهای نظام کاپیتالیستی، تاکید بر استقلال سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر به عنوان یک طبقه واحد جهانی و مدعی، تاکید بر مراسمهای کارگری و بازگشت به سنت سوسیالیستی طبقه کارگر در اول مه، همه و همه گواه تلاش کمونیستها و کارگران سوسیالیست در اول مه امسال بود که مهر خود را به اول مه و فضای عمومی کوبید.

آنچه در اول ماه مه عیان بود وزن و جایگاه تعیین کننده طبقه کارگر در سیاست ایران و در تحولات در جریان بود. بازتاب این جایگاه و وزن سوسیالیستهای طبقه کارگر نه تنها در مراسمهای کارگری و سخنرانی و بیانیه های آنها، نه تنها در حمایت افشار زحمتکش از خواست و مطالبات این طبقه و برگزاری مراسمهای مختلف از جانب افشار پایین جامعه و حامیان طبقه کارگر، که در سخنان و تهدیدها و تلاشهای خود حاکمیت برای مقابله با هر تجمع و مراسمی، در سخنان سخنگویان آنها، در تلاشهای مزورانه خانه کارگر برای مخدوش کردن نفس حکمت اول مه و تلاش برای انشقاق در صفوف این طبقه و در اعلام سمینارها و پیام های جریانات مختلف راست و ضد کارگری به مناسبت اول مه و تاکید همه بر جایگاه این طبقه و «دفاع» ریاکارانه و قسم کارگری خوردن آنها نمایان بود. معلوم شد که وزن طبقه کارگر و عروج یک جنبش برابری طلبانه در سالهای اخیر، اعتراضات و اعتصابات مختلف کارگری و فشار این جنبش، پرت ترین و خواب آلودترین جریانات بورژوازی، ناسیونالیستی، قومی و ضد کارگر ترین آنها را هم به تکاپو انداخته است. زیر فشار سیاسی و اجتماعی این طبقه نیروهای بورژوازی لباس «کارگر دوستی» پوشیدند و ریاکارانه سوگند وفاداری به این «قشر» زحمتکش یاد کردند. تلاشی که بیان وزن و جایگاه مهم طبقه کارگر و بعلاوه بیان ترس و نگرانی حاکمیت و نیروها و جریانات راست و بورژوازی از عروج متحدانه این طبقه با پرچم سوسیالیستی خود و از توده گیر شدن امیال سوسیالیستی و سازمان یافتن و متحد شدن طبقه کارگر و محرومین جامعه حول کمونیستهای این طبقه بود.

نگاهها به طبقه کارگر، به کمونیستهای این طبقه میخکوب شده است. کمونیستهایی که منشاء قدرت، اعتماد و خوشبینی در میان کارگران و همه آزادیخواهان و برابری طلبان، منشاء اتحاد کارگری، تحزب یافتگی کارگران کمونیست و زدودن همه بارقه های غیر کارگری و نفوذ افکار و عقاید بورژوازی اند!

اول مه امسال دریچه ای بود برای دیدن تصویر کاملتر از موقعیت طبقه کارگر و جایگاه آن در سیاست ایران، دریچه ای بود برای دیدن عمق نفوذ و نقش کمونیستها در متحد و قدرتمند کردن این طبقه!

اول مه روزنه ای کوچک بود تا توان و موقعیت یک جنبش عظیم ضد کاپیتالیستی را از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب در دل مراکز اصلی کارگری، در میان پرولتاریای صنعتی ایران و بخشهای مختلف یک طبقه بزرگ اجتماعی، اعتبار این جنبش، امید محرومین به این جنبش، نقش و اعتبار سوسیالیستها در این جنبش و امکان پیروزی این جنبش را به نمایش بگذارد.

زنده باد انقلاب کارگری
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۶ مه ۲۰۲۱

کارگران!

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود، به قدرت میلیونها انسان گرفتار در چنگال نظام فقر و استثمار و تبعیض و بی حقوقی مطلق، برای انقلاب کارگری و برپایی جهانی نو و بهتر به حزب خودتان پیوندید!
حزب حکمتیست (خط رسمی) مهمترین ابزار متحد و متشکل شدن شما، مهمترین ابزار این سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری است!

زنان و مردان آزادیخواه!

همه خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می کنند!
نیروهای راست و ارتجاعی نیروی خود را برای دست بدست کردن قدرت از بالای سر ما، خود را برای تحمیل یکدور دیگر از استثمار و فقر و استبداد به نامی دیگر، آماده می کنند و ابزار خود را صیقل می دهند!
ما، طبقه کارگر بیزار از فقر و استثمار و بی حقوقی! ما زنان تشنه رهایی از آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب جنسیتی، ما جوانان و کارکنان و بیکاران و سالمندان گرفتار در چنگال نظام و حکومتی ضدانسانی، باید خود را آماده کنیم!
حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابزار قدم نهادن به این جدال است! به حزب تان پیوندید!

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

این «حال و روز بد» را از تحریم انتخابات از طرف شخصیت‌های شناخته شده ای چون فائزه رفسنجانی، از «پپ» شدن عنصری چون زرغامی، از اعلام ضرورت «یک انقلاب (البته اصلاح طلبانه) برای نجات اصلاحات» و «نظام» از طرف تاجیک، از «تذکرات» مدام که رقابتهای انتخاباتی نباید تبدیل به صحنه افشاجاری از هم و «آتو» دست دشمن دادن، شود و میتوان دید. هراس بالا از گسیختن همان یکذره شیرازه درونی خودشان و ضعیف تر شدن بیش از پیش توان و قدرت حاکمیت شان در منظر محکومین است. اینها مدتها است عطای «آشتی مردم با نظام» را به لقا آن بخشیده اند. معضل امروزشان «اجماع درونی» برای نجات و حفظ نظام است و نگرانی شان این است که برگزاری نمایش انتخابات نتواند این امر را به سادگی برایشان ممکن کند، بخصوص که در منظر جامعه و در حضور محکومین سکوت شکسته و به میدان آمده صورت میگیرد!

اما صف میلیونی معترضین به فقر و فلاکت و اختناق، معترضین به نابرابری و تبعیض هم، در انتظار برپایی این نمایش، آرام و قرار ندارد! در این سیر این صف هم، نه به مراسم انتخابات و نتیجه آن، که به آینده جامعه، به آینده جدال خود با بالا با هوشیاری و حساسیت نگاه میکند. در این میان صف و اردوی پائین، صف کارگر و مردم آزادیخواه هم ملتهب و پر تنش است! اما التهاب و تنش از جنس دیگر! التهاب و تپشی رادیکال و انقلابی، التهاب رقم زدن و بدست گرفتن سرنوشت جامعه، التهاب چگونه خلاص شدن از شر حاکمیتی سیاه و مستبد، چگونه استفاده کردن از این انتخابات برای گسترش اعتراض و تغییر وضعیت و بالانس قدرت به نفع خود، چگونه ضربه زدن به و عقب راندن رژیم که توان و جسارت دفاع از خود، از نوع دهه شصتی و هفتادی، را ندارد. التهاب و شوری رادیکال! التهاب و شوری که روز اول مه امسال و حضور گسترده بازنشسته، معلم و دانشجوی معترض به فقر و فلاکت در کنار طبقه کارگر و زیر پرچم روز کارگر، فقط گوشه ای از آن را بازتاب داد. صف میلیونی که نه فقط عدم شرکت در انتخابات که از پا نایستادن تا زیر و رو کردن بنیادهای سیاسی-اقتصادی نظام را رسماً و علناً اعلام میکند! به برهم زدن این نمایش و تبدیل آن به میدان و صحنه دیگری

از جدال گسترده، توده ای و رادیکال علیه جمهوری اسلامی می اندیشد! و برخلاف «اصلاح طلب» درون حکومتی مانند فائزه رفسنجانی یا «اصلاح طلبان» برون حکومتی که امروز شانس حضور فعال در این نمایش را ندارند و تلاش میکنند «همرنگ» جامعه شوند، قرار نیست روزهای انتخابات «در خانه بماند» و «خیابانها را خلوت نگاه دارد!» که در فکر انجام کاری و کارهای مهم و بزرگی است! این را از دیماه سه سال پیش تا به امروز به حاکمیت و ناباورترین بخش های ناراضی جامعه، در عمل هرروز نشان داده است و آنها را هر روز شگفت زده کرده است. این صف خود را برای حضور فعال و گسترده «در» روزهای انتخابات آماده میکند. خود را برای حضور فعال در جلسات تبلیغات انتخاباتی کاندیدها و تبدیل آن به جلسات محاکمه سران جمهوری اسلامی و همه عوامل و عناصرش، به صحنه دادخواهی قربانیان آبان ۹۸، قربانیان میلیونی فقر و بیکاری و بیماری و بی مسکنی و بی تامینی و زن ستیزی، به صحنه دادخواهی زندانیان سیاسی و قربانیان چهل و سه سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، برای اعلام آمادگی خود برای بدست گرفتن سرنوشت خود، آماده میکنند. روزهای انتخابات روزهای حضور گسترده، پرشور و رادیکال مردم آزاده، جوانان پرشور، رهبران و شخصیت‌های کارگری، زنان آزادیخواه خواهد بود! نه برای «گرم نگاه داشتن» تور انتخابات، که برای دمیدن و بالا بردن دمای کوره داغ اعتراضات بحرق و انسانی خود! در منظر جامعه و نزد هشتاد میلیون مردم گرفتار حاکمیت، مراسم بالایی ها، روزهایی است برای تبدیل آنها از روزهای نمایش «حق انتخاب مردم» و مشروعیت دادن به «نظام»، به روزهای اعلام محکم و با صدای رسای «انتخاب خود!» انتخابی که بیش از سه سال است، علیرغم کشتار های خیابانی و زندان و شکنجه و حبس و سرکوب مدام و خشن صف «انتخابات چی ها» دست در گردن در بالا، با صدای رسا از پایین و در جامعه، اعلام شده است. بیش از سه سال است که انتخاب جامعه ایران، در کارخانه و محل زندگی و خیابان و در سراسر ایران با صدای رسا اعلام شده است! که نه تنها نظام باید برود، نه تنها نظام و حاکمیت با همه جناح ها و باندهای قدرت باید برود، که نظامی مبتنی بر «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، انتخاب شده است! انتخاب جامعه، انتخاب پایین، در مقابل نمایش «انتخابات»، بی تردید بار دیگر راه پیشروی خود را باز و باز تر میکند!

مردم در این انتخابات شرکت نمی کنند!

و آن را در تحرکات اعتراضی هم رسماً و

علناً اعلام کرده اند! اما در مقابل این نمایش نباید ساکت بود. نباید اجازه داد این مراسم درون خانوادگی برای محکم کردن صفوف شان در مقابل ما، در مقابل طبقه کارگر، زنان، معلمین و بازنشستگان و هشتاد میلیون مردم به تنگ آمده از حاکمیت، در سکوت و در آرامش برگزار شود! میتوان و باید در روزهای «مبارزه انتخاباتی»، از تشتت، شکاف و موقعیت زبون بالا بیشترین استفاده را برای تحمیل عقب نشینی های بیشتر به حاکمیت، برای بوجود آوردن تناسب قوایی مناسبتر به نفع مبارزه بر سر آزادی و برابری و رفاه برد.

باید به هر شکل ممکن و در هر سطح ممکن، این مضحکه را به صحنه محاکمه همه جناح ها و نهادها و شخصیت ها و کل حاکمیت تبدیل کرد! باید خواست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، خواست آزادی، برابری و اداره شورایی، و سوسیالیسم را در میدانی که برای بازی های سیاسی مابین خود باز میکنند و نام این میدان و مضحکه را «انتخابات» و رقابت های انتخاباتی در ایران میگذارند، بر سرشان خراب کرد!

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

اتلافی که نتانیاهاو سال گذشته بعد از سومین انتخابات، با حزب آبی- سفید به رهبری گانتز و چند حزب میانه و راست تشکیل داد، بسیار زود متزلزل شد و سرنوشت دولت بیش از پیش حالت شکننده و انتقالی گرفت. چشم‌انداز تکرار انتخابات در حالی است که همه سیاستمداران بعد از انتخابات ماه مارس امسال، ظاهراً تأکید داشتند که افتادن جامعه اسرائیل در گرداب پیایی انتخابات، عقوبت‌های سخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. با شکست ترامپ در انتخابات آمریکا در ماه ژانویه گذشته، قوام راست افراطی در دولت، قانون، انتخابات و «دمکراسی پارلمانی» در اسرائیل نیز متزلزل شد. بورژوازی اسرائیل در جستجو برای یافتن روزنه‌ای است که این زلزله و آشفتگی سیاسی در بالای حاکمیت و در راس دولت را کاهش دهد تا شکاف میان ساختار و مردم، و بی‌اعتمادی به بنیادهای «دمکراسی» و احزاب ... هرچه سریع‌تر تمام شود. نتانیاهاو و حزبش علیرغم پرونده فساد و رشوه‌خواری نتانیاهاو، امیدوار بودند نظر به برنامه واکنش‌ناهیون و بازگشت زندگی در اسرائیل به حالت عادی بعد از کرونا، بتوانند به سهولت بقای مشروعیت خود را تضمین کنند. اما فاکتور بنیادی تری بحران در هیئت حاکمه اسرائیل را تشدید کرده است که چوب لای چرخ تشکیل دولت آتی از طرف نتانیاهاو گذاشته و عامل بحران در هیئت حاکمه اسرائیل شده است.

اکنون پس‌لرزه‌های شکست ترامپ، در هیئت حاکمه اسرائیل کاملاً مسجل شده است. نتانیاهاو چشم به برنده شدن ترامپ در انتخابات آمریکا داشت. قرار بود خلاء حضور آمریکا در منطقه و استراتژی اداره خاورمیانه به دولت اسرائیل واگذار شود که با حمایت ترامپ از «طرح معامله قرن» در کاخ سفید روغایی شد و در ادامه می‌رفت که در ریزنی بر سر عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و دولت اسرائیل خود را تثبیت کند. این استراتژی و تشکیل این جبهه با شکست ترامپ در انتخابات آمریکا، عملاً در نیمه راه متوقف شد. استراتژی «کنارکشیدن از جهان و بازگشت به داخل آمریکا» و متعاقب آن، واگذاری منطقه به متحدین آمریکا با چاشنی خصمانه و راست و لمپنی ترامپ بیش از آنکه «پل دوستی» میان آمریکا و متحدینش با جهان در مجامع بین‌المللی باشد، به انزوای بیشتر آمریکا از اروپا و رقبای امروز منجر شد. دولت آمریکا بعد از اسکاندال ترامپ، با استراتژی «کاهش تنش» و «دیپلماسی» و برای روتوش کردن چهره خدشه‌دار بورژوازی آمریکا به تحرک «دیپلماتیک» درآمده است و تظاهر به بازگرداندن «آرامش» و «ثبات» در منطقه می‌کند؛ قدرتی که بیش از دو دهه است بنام «رژیم چینج» و «جنگ علیه تروریسم»، در حقیقت یک پای اصلی دامن زدن به جنگ و ناپایمنی در دنیای معاصر و تبدیل خاورمیانه و جهان به صحنه خونین جنگهای صلیبی بوده است.

امروز، اولویت سیاست خارجی بایدن در راس دولت آمریکا، بازگرداندن جایگاه از دست‌رفته بورژوازی این کشور در رهبری جهان، به شیوه کاهش تنش و افزایش فشار با «زبان نرم» است. از ایتر، به موازات رسیدگی به اوضاع داخلی، باز کردن پرونده‌های حقوق بشری برای فشار بر کشورها و گرفتن امتیاز از آنها برای ارتقای جایگاه آمریکا در رهبری جهان در اولویت سیاست خارجی امریکاست. درخواست اخیر ۲۲۰ نماینده کنگره آمریکا در قطعنامه‌ای از بایدن که حقوق بشر را در مرکز سیاست خود در قبال ایران قرار دهد، ایستگاهی در این چرخش تاکتیکی و جنگ «نرم» است. درست بر متن این چرخش تاکتیکی دولت آمریکا است که تغییر آرایش بورژوازی در هیئت حاکمه اسرائیل هم ضروری شده است؛ نیاز به مذاکرات دوباره میان آمریکا و ایران جهت رام کردن جمهوری اسلامی، مستلزم محدود کردن دامنه جنگ‌طلبی دولت اسرائیل و راست افراطی در سیاست منطقه‌ای است. پرباره نیست که دولت عربستان و جمهوری اسلامی هم در سیاست خارجی خود مسیر مذاکره و توافق را با تشویق دولت آمریکا و با وساطت دولت عراق در پیش گرفته‌اند.

از این زاویه، کاهش تنش در خاورمیانه میان دولت‌های مرتجع منطقه، اکنون با وجود قارچ‌های تاریخی و سمی بر پیکره متحدین بورژوازی آمریکا از جنس نتانیاهاو و راست افراطی در اسرائیل، خوانایی ندارد. بویژه که نتانیاهاو کماکان بر طبل تشدید تنش در منطقه می‌کوبد! بورژوازی اسرائیل اکنون زیر بار منافع «عموسام» مجبور به کوتاه آمدن و هم‌جهت شدن با سیاست «برادر بزرگ» است. دولت آتی در اسرائیل ناچار است که دولت «راست میانه» باشد که در دوره پسا-ترامپ، سیاست «دیپلماسی» با توسل به «زبان نرم» را به جای ادامه تنش‌های افراطی و میلیتاریزه کردن فضا در منطقه تأمین کند.

جا دارد که یکبار دیگر به اپوزیسیون راست و ترامپیست ایران، از آقای پهلوی و سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان تا فرسگردها و سکولار - دمکرات‌ها و مشروطه‌خواهان، به بهانه شرایط سیاسی نامطلوب نتانیاهاو پس از شکست ترامپ در انتخابات هم تسلیم گفت. ما گفتیم که آلترناتیوسازی کمپ اپوزیسیون راست و ترامپیست ایران، دوام چندانی نخواهد آورد. گفتیم که بازار گرمی و مانور حول ترامپ

و نتانیاهاو، بزودی ارزش مصرف خود را از دست می‌دهد. عروج و افول صاعقه‌گونه ترامپ و موقعیت متزلزل امروز نتانیاهاو در عرصه سیاست سوپر- راست جهانی، سر اپوزیسیون راست را تماماً بی‌کلاه گذاشته است. اپوزیسیون که با علم و کتل «انقلاب مخملی» با تکیه بر اسلحه و تحریم و فشار حداکثری ترامپ و میلیتاریسم اسرائیل در منطقه، خواب دست‌به‌دست شدن قدرت از بالای سر مردم ایران را می‌دید. اپوزیسیون که امروز پرونده‌اش با افول ترامپ‌ها و نتانیاهاو‌ها بسته شده است. اپوزیسیون که به دلیل حضور قدرتمند گرایش کمونیستی طبقه کارگر در ایران و عروج آلترناتیو اداره شورایی توسط رهبران رادیکال سوسیالیست این طبقه، روز به روز به لحاظ اجتماعی، حاشیه‌ای‌تر و منزوی‌تر می‌شود.

این دو رکن، یعنی ۱- شکست ترامپیسم و راست افراطی در صحنه سیاست آمریکا و جهان و ۲- به اهتزاز درآمدن پرچم اداره شورایی بر متن تحریک وسیع توده‌های شهری و طبقه کارگر در ایران، مهر باطلی بر ارزش مصرف اپوزیسیون راست زده است. اینجا تقاطعی است که سرنوشت اپوزیسیون راست پرو - غرب را تمام‌قد در مقابل چشم همگان قرار می‌دهد.

روزشمار تقویم کشتار کارگری...

آتش سوزی کارگاه میل سازی در پردیس در یک فاجعه انسانی شش کارگر را در میان شعله‌های آتش زنده زنده سوزاند و هشت نفر مصدوم بجا گذاشت؛ آتش سوزی دیگری در کارخانه بازیافت لاستیک در اردبیل جان دو کارگر را گرفت؛ همان روز یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع جان باخت؛ دو کارگر ساختمانی اصفهانی درگودال خاک برداری غیر اصولی مجروح شدند؛ روز بعدتر ریزش یک آوار در محدوده بلوار سید رضی مشهد دو کارگر را کشت و دو زخمی بجا گذاشت و باز در اصفهان کارگر جوانی بر اثر سقوط بالا‌بر روی سر در دم جان از کف داد... این اخباری است که از میان اخبار رسیده توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شده، خود این خبر گزار اقرار دارد که ابعاد رویدادها بسیار بیشتر از گزارشات است.

خواننده این سطور در میان هجوم بی امان تاسف و نفرت که قلب هر کس را در هم می‌فشارد، از خون‌سردی حاکم بر دبیرخانه ستون حوادث خبرگزاری کار ایران (ایلنا) هاج و واج می‌ماند. چهار سطر بالا با تکرار مکرر و ترکیب کلمات «جراحات و مرگ و کار» در دلخراش ترین توصیفات ممکن، روز شمار تقویم «برافتخار» کشتار اسلامی سرمایه در ایران فقط در یک هفته را به تصویر میکشد. وحوش ساکن عمارت وزارت کار و خانه کارگر آن از چه نوعی میتوانند باشند؟ چرا پرچم‌ها، حتی برای تظاهر بر بام وزارتخانه نیمه افراشته نیست؟ چرا چهار پنج مدیر کل وزارتخانه در بازداشت نیستند؟

شرح حوادث محیط کار در ایران بشدت کوتاه و بشدت مشابه هم هستند. مضمون و سیر رویدادها، یکی بیشتر از دیگری مشحون از جنایتکاری است. کارگری که در دستگاه پرس بلعیده و له میشود، کارگرانی که در حلقه آتش بدون کوچکترین راه فرار با هم می‌سوزند، ارتفاعاتی که یکی پس از دیگری دست و پا زنان با فریادهای مرکب‌بار مثل برق طی میشود، کوره‌هایی که پیکر کارگران را در آتش و روغن مذاب در خود می‌گیرد... «کشتار» بخصوص آنجا موضوعیت پیدا میکنند که در همه موارد بحث بر سر یک کمر بند ایمنی یا یک تور سقوط و یا یک کپسول آتش نشانی است. «کشتار» بخصوص آنجا موضوعیت پیدا میکنند که وزارت کار و خانه کارگر هم شریک این جنایات ظاهر میشوند. اظهارات ابوالفضل منصوری از مدیران دبیره حفاظت فنی وزارت کار درباره «هفته پر حادثه» آخر فروردین ماه باندازه کافی گویاست:

«متأسفانه بحث فرهنگ ایمنی کار در جامعه کارفرمایی آنطور که باید و شاید مورد توجه واقع نشده است. در بحث حوادث کار آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی وجود دارد که به آن توجهی نمی‌شود... اگر برنامه‌ای برای آشنایی کارفرما با بحث خطرات ناشی از کار و راهکارهای پیشگیری از آن وجود داشته باشد، می‌توانیم در بحث کاهش حوادث ناشی از کار به وضعیت بهتری برسیم. همچنین عدم تأمین تجهیزات ایمنی در بروز حوادث کار مهم است. به طور مثال در خصوص کاهش حوادث ناشی از کار در ارتفاع، یکی از راهکارها استفاده از کمر بند ایمنی یا توره‌های ایمنی است، اما چون هزینه‌بر است خیلی وقت‌ها کارفرمایان به آن توجه نمی‌کنند.» (سایت خبری ایلنا، ۳۰ فروردین ۱۴۰۰)

مابقی روزشمار تقویم دشمی جمهوری اسلامی سرمایه با طبقه کارگر را میتوان با اخبار دستمزد‌های زیر خط فقر و یا دستگیری و شلاق فعالین کارگری تعقیب کرد. این کار بخصوص از آن جهت ضروری است که دشمنان خود در قالب حکومت طبقه بورژوا را در پیکر واحد هدف اعتراض و حق طلبی طبقاتی قرار بدهیم. ادعا نامه ما علیه بورژوازی باید تک مصائب و زخم های پیکر طبقه ما را شامل شود. «حوادث» محیط کار میدان جنگ ما بر سر هر رفیق و همسنگر؛ برای حفظ هر دست و پا؛ «معبشت» میدان جنگ ما بر سر هر تکه نان؛ «هفت تپه» میدان جنگ ما در دفاع از همبستگی و حق اعتصاب ماست.

پیروزی ما در گرو هم کاسه کردن این مقاومها در یک مبارزه تعرضی و سراسری است.

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

از کرده خود پشیمانان کنید!

مردم دارسیران در شهر مریوان در روز ۱۱ اردیبهشت شاهد حمله اوباش اسلامی سلفی به محله شان بودند. این وحوش اسلامی با چاقو و قمه به منزل یکی از شهروندان این محله به اسم جمال فیضی حمله برده و او را با ضربات قمه به شدت زخمی کرده اند. به دنبال مقاومت خانواده جمال در برابر این تعرض، فرد دیگری هم توسط چاقوکشان سلفی زخمی می شود. اراذل و اوباش و جانیان سلفی در نهایت با عربده کشی، تهدید کرده اند که حمله بعدی را با نیروی بیشتری انجام خواهند داد.

اینکه سلفی ها آزادانه گله های اوباش خود را سراغ مردم می فرستند، اینکه این جانیان به خود اجازه می دهند و جرات میکنند اینچنین وحشیانه به مردم حمله کرده و قربانی بگیرند، قطعاً بدون هماهنگی و پشتیبانی «برادرشان» در حاکمیت، بدون حمایت نیروهای امنیتی ممکن نیست. نیروهای سرکوبگری که جسارت رودرویی مستقیم و اشکار با مردم آزادیخواه را ندارند، چاقوکشان سلفی را برای ایجاد رعب و وحشت به جان مردم می اندازند. جوانان و مردم متمدن شهر مریوان باید حمله این اوباش اسلامی و ظرفیتشان در ایجاد ناامنی را جدی بگیرند. مردمی که کوله باری از مبارزه علیه دارودسته های اسلامی و قومی، تجربه مبارزه رودرو با جمهوری اسلامی و سازمان دادن اعتراضات توده ای و دفاع از خود هستند، میتوانند و باید جواب دندان شکنی به چاقوکشان سلفی بدهند.

مردم آزاده مریوان!

این بار اولی نیست که نیروهای سلفی دست به ایجاد ناامنی و ضرب و شتم مردم میزنند. اگر قبلاً در جاهای خلوت و در خفا دست به چنین تعرضاتی میزدند، امروز جرات میکنند اینچنین علنی و با اعتماد و قدرت، چاقو کشان خود را به جان شما بیندازند. ظرفیت این باند فوق ارتجاعی را در خون پاشیدن و ایجاد ناامنی در جامعه را باید جدی گرفت و جواب درخور این وحوش اسلامی

اطلاعیه شماره ۲

به دنبال تعرض و قمه چرخانی اراذل و اوباش سلفی در محله دارسیران، امروز شهر مریوان و بویژه مردم دارسیران صحنه اعتراض شدید بر علیه این جانیان اسلامی بود. مردم آزاده شهر، منازل و اقامتگاه های این وحوش اسلامی را شناسایی کردند و عرصه را بر رویشان تنگ کرده و جواب دندان شکنی را به این اوباش دادند. نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی رژیم برای دفاع از «برادران» سلفی خود تلاش کردند در محله دارسیران نوعی حکومت نظامی ایجاد کنند و همزمان برای آرام کردن مردم تا به حال چند نفر از چاقوکشان سلفی را دستگیر کرده اند. اما فضای شهر همچنان متشنج است.

جوانان و مردم آزادیخواه مصمم اند جانیان و وحوش اسلامی را با قدرت خود ادب کنند. ما اعلام کردیم که مردم آزادیخواه مریوان تعرض و ایجاد ناامنی را از طرف این اراذل و اوباش اسلامی تحمل نخواهند کرد و قلم پایشان را خواهند شکست. زنده باد همبستگی و اعلام قدرت و اعتراض قدرتمند مردم مریوان!!!

این تازه ابتدای کار است. مردم برای تضمین امنیت خود، برای مصون کردن جامعه از تعرض های بعدی این اوباش و در نهایت برای کنترل شهر و دفاع از آسایش و زندگی خود چاره ایی ندارند جز اینکه خود راساً با ایجاد نهادها، انجمنها، تشکیلاتهای توده ایی و کمیته های محلات امنیت شهر و محله خود را تضمین و تثبیت کنند. مردم مریوان تجارب گرانبهایی در کنترل و تامین امنیت شهر خود را دارند. نه حاکمیت اسلامی و نه باندها و گله های اوباش سلفی و نه امام جمعه که در راس سلفی ها قرار دارد، نمیتوانند در برابر اراده مردم متحد و مبارز مریوان مقاومت کنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) از اعتراض برحق و گسترده مردم علیه توطئه مشترک اوباش سلفی و نهادهای امنیتی در ایجاد ناامنی و وحشت در میان مردم پشتیبانی کرده و مقاومت و مقابله مردم علیه هر دو ارتجاع تقدیر

را با قاطعیت داد. باید به این توحش پایان داد، باید به این وحوش سلفی افسار محکمی زد. باید چنان درسی به این اراذل و اوباش و اربابانشان داد که از کرده خود پشیمان شوند.

نیروهای امنیتی رژیم، از چاققداران بسیجی گرفته تا سپاه و در کنار چاقوکشان سلفی مسبب ناامنی و تعرض به جان و مال شما هستند. مقابله قاطع و جدی با اوباش اسلامی سلفی و دفاع از زندگی و امنیت شهر و محله شما، دفاع از جان و امنیت تک تک شهروندان این شهر به عهده شما و تنها شما است.

باید مسئولین و عوامل این نیروی باند سیاهی را شناسایی کرد، باید چنان درسی به آنها و چاقو بدستانشان داد که جرات نکنند یکبار دیگر کمترین مزاحمتی برای مردم ایجاد کنند. باید قلم پایشان را شکست!

جوانان آزاده، کمونیستها

شما میتوانید و باید در دفاع از شهر و محلات، در دفاع از زندگی شهروندان این شهر، در حفظ امنیت محل کار و زندگی مردم نقش مهمی داشته باشید. با سازمان دادن کمیته های محلات، کمیته هایی که قدرت مقابله با هر نیروی ارتجاعی که زندگی و امنیت مردم را به خطر می اندازد، کمیته هایی که مردم محلات را برای دفاع از خود آماده میکنند، امنیت و آسایش شهر و محله خود را تامین کنید.

جوانان آزاده و کمونیستها شهر مریوان قدرت و ظرفیت افسار زدن و شکستن قلم پای این وحوش سلفی را دارند و قطعاً توانایی مصون داشتن جامعه را از این جانیان دارند. باید جنبید! باید عرصه را بر این جانوران اسلامی به طور کامل تنگ کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) مردم مریوان را به مقابله جدی و قاطع با این باند جانی و چاقوکش فرا میخواند و در این جدال در کنار مردم آزاده کردستان قرار دارد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ می ۲۰۲۱

می کند. دفتر کردستان جوانان و زنان که در صف مقدم اعتراضات هستند و مردم آزادیخواه مریوان را فرا میخواند تا متحدتر و سازمان یافته تر برای تضمین امنیت خود در این مقابله شرکت کنند. تنها اتحاد و دخالت مستقیم مردم قادر به تامین و تضمین امنیت شهر و محل زندگی می شود. دفتر کردستان حزب در کنار شما و همسنگر شما در این مبارزه خواهد بود.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ مه ۲۰۲۱ - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

جوانان آزاده، کمونیستها!

دفاع از شهر و محلات، دفاع از زندگی شهروندان این شهر و حفظ امنیت محل کار و زندگی مردم بر عهده شما است.

با سازمان دادن کمیته های محلات، کمیته هایی که قدرت مقابله با هر نیروی ارتجاعی که زندگی و امنیت مردم را به خطر می اندازد، کمیته هایی که مردم محلات را برای دفاع از خود آماده می کند، امنیت و آسایش شهر و محله خود را تامین کنید. باید عرصه را بر این جانوران اسلامی تنگ کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

نه قومی نه مذهبی زنده باد همبستگی انسانی

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

آزادی دستگیرشدگان مریوان به مطالبه مجازات مجرمین سلفی اضافه شد!

اطلاعیه شماره ۳

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی برای جبران شکست توطئه مشترک خود و سلفی ها، اقدام به بازداشت و دستگیری جوانان دارسیران کرده اند. اخبار تا این لحظه حاکی از دستگیری بیش از ده نفر از جوانان است، که اسامی ۴ نفر از آنها به این ترتیب کژوان فیضی، فواد فیضی، شیرکو سهرابی و آکو چاوگی است.

برای مردم آزادیخواه مریوان روشن بود که جمهوری اسلامی در دفاع از جنایتکاران سلفی وارد میدان می شود. روشن بود که دستگیری دو نفر از مزدوران سلفی ظاهراً به عنوان خطا کار ولی در اصل برای آرام کردن مردم، فرستادن آنها به خانه و جلوگیری از ادامه تعرض مردم به جنایتکاران سلفی و در عین حال دور کردن آن دو جانی از دسترس تعرض مردم خشمگین بود.

دستگیری جوانان دارسیران به جرم مقابله با چاقوکشان سلفی و در دفاع از امنیت و زندگی خود و مردم این محله، ادامه حمایت جانین حاکم از باند ارتجاعی سلفی است. قرار است با این موج دستگیری اعتراض به جنایت سلفی ها به حاشیه برود و مطالبه آزادی دستگیر شدگان به تنها مطالبه و توقع مردم خشمگین و معترض تبدیل شود. اما اداره اطلاعات مریوان و سپاه و ... سخت در اشتباه اند! مردم آزاده مریوان خواست و مبارزه برای آزادی همه دستگیر شدگان را به خواست معرفی و مجازات سلفی های شرور و جنایتکار و ممنوعیت تمام مایشات اینها و مبارزه مستقیم خود علیه این باند جانی و حامیان آن اضافه خواهد شد.

مردم آزادیخواه مریوان میدانند که بدون چتر حمایتی نیروهای امنیتی، سلفی های داعشی جرات و جسارت عرض اندام و مانور و حمله به شهروندان را نخواهند داشت. مردم میدانند که نیروهای امنیتی و ماموران «امر به معروف» آن عاجز و زبون از رودرویی آشکار با مردم، افسار سلفی های دست ساز خود را به رها کرده اند، تا وظیفه حمله به شهروندان را پیش برند و به چاقوکشان سلفی همان درسی را میدهند که به «برداران» قمه زن «امر به معروف» دادند.

مردم آزاده مریوان برای پشیمان کردن نیروهای امنیتی از توطئه های پلیدشان همراه سلفی ها، برای جارو کردن بار و بنیدیل سلفی ها از جامعه، برای محاکمه و مجازات مجرمین و آزادی فوری دستگیرشدگان از پا نخواهند نشست!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)، مردم کردستان را به حمایت از اعتراضات و مبارزه مردم مریوان علیه توطئه مشترک سپاه، وزارت اطلاعات و باند سلفی ها فرا میخواند. جمع کردن بساط سلفی های باند سیاهی، کوتاه کردن دست باندهای قومی و مذهبی از زندگی مردم خواست مشترک همه مردم آزادیخواه در کردستان است و به مبارزه و مقابله ای جدی در تمام شهرهای کردستان نیاز دارد. کردستان را برای باند سلفی و هر نیروی ارتجاعی ناامن کنیم.

زنده باد مقاومت مردم مریوان علیه جنایتکاران سلفی

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ مه ۲۰۲۱ (۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰)

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!